فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۷
صفحات ۹۵ – ۱۱۳

بررسی حملهٔ عثمانی‌ها به یمن؛ دلایل، پیامدها، و نتایج آن (۹۲۱-۹۴۵ق)

علی غلامی فیروزجائی[۱]

چکیده

قرن دهم هجری برای سرزمین‌های اسـلامی، از جملـه یمـنِ عصـر طاهریـان (۸۵۸–۹۴۵ق)، بسیار مهم بوده‌است، چراکه در ایـن دوران، کشـور اسـتعمارگر پرتغـال، بـرای دستیابی به راه‌های دریایی جدید، در اختیار گرفتن مراکز تجاری مسـلمانان و همچنـین انحصار تجارت ادویهٔ هند، به شـرق و از جملـه یمـن روی کـرده بـود. در ایـن زمـان، امپراتوری عثمانی، که به‌نوعی پرچمدار اسلام در جهان به شمار می‌رفت، بـرای نجـات شهرها و جزایر اسلامی هند، وارد یمن شد و با توجه به موقعیت تجاری و سوق‌الجیشی مهم این سرزمین، آن را در سال ۹۴۵ هجری تحت سلطهٔ خود درآورد. پژوهش حاضـر با بهره‌گیری از روش توصیفی–تحلیلی و با استناد به منابع عربی، ترکی، و نسـخه‌هـای خطی، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که علل حملهٔ عثمانی‌ها به یمن چه بوده و اینکه حملهٔ مذکور چه نتایج و پیامدهایی داشته‌است. نتایج بررسی حاکی از آن اسـت که عثمانی‌ها برای مقابله با پرتغالی‌ها و همچنین تأمین امنیت شهرهای اسلامی مکه و مدینه، و البته با فریب و قتل سلطان مسلمانِ یمـن، بـه‌صـورت خیانتکارانـه وارد یمـن شدند. این حمله پیامدها و نتـایج مختلفـی، ازجملـه سـلب اعتمـاد عمـومی نسـبت بـه عثمانی‌ها، در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: یمن، عثمانی‌ها، طاهریان، ممالیک، پرتغالی‌ها.

---

۱. مدرس گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین. gh.firozjaii@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰٤/۱۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

مقدمه

یمن در جنوب غربی جزیرةالعرب واقع است و از شمال به سرزمین حجاز، از جنوب به خلیج عدن، دریای عرب، و اقیانوس هند، از مغرب به دریای سرخ، و از سمت شرق به دریای عمان محدود می‌شود. اهمیت و موقعیت استراتژیک و طبیعی این سرزمین، با بنادر تجاری بسیار مهمی چون عدن، مخا، شحر، و حدیده، از دیرباز موجب توجه کشورها و دولت‌ها به آن بوده‌است (حسینی، برگ ٦ب). در قرن دهم، سرزمین یمن شاهد اتفاقات مختلفی در حوزهٔ سیاست‌های خارجی بود. در این دوران، یمن و حاکمان آن، ازجمله طاهریان[1]، مواجه با دولت‌های خارجی عثمانی‌ها، ممالیک، و همچنین کشور استعمارگر پرتغال بودند که به‌طمع تسلط بر شاه‌راه‌های اصلی تجارت دریایی در قرون نُه و ده، یعنی بنادر سوق‌الجیشی عدن، مخا، و مکلا و همچنین، نزدیکی به سرزمین‌های اسلامی مکه و مدینه یا تسلط بر آن‌ها، به تصرف یمن چشم داشتند.

حملهٔ عثمانی‌ها به یمن در ۹۲۱ و با اتحاد مملوکی‌ها آغاز شد. در این زمان،

۱. طاهریان از قبایل حمیر، در شهر جُبَن، از منطقهٔ رَداع، ساکن بودند (ابن‌الدیبع، *الفضل المزید*، ۱۲۱؛ شِلّی، ۱٦۲؛ فیصلی، ۱۲). تاریخ رسمی دولت بنوطاهر از سال ۸۵۸ هجری با حرکت مجاهد علی بن طاهر بن معوضهٔ و برادرش، ظافر عامر از شهر رداع به‌سوی عدن آغاز می‌شود (ابن‌الدیبع، *قرة العیون*، ٤٠٥-٤٠٦؛ همو، *الفضل المزید*، ۱۲۱). با کشته شدن ملک‌ظافر در سال ۸۷۱، ملک‌مجاهد به‌تنهایی حکومت یمن را به دست گرفت (همان، ۱۳۵). بعد از مرگ ملک‌مجاهد نیز، ملک‌منصور به حکومت رسید (ابن‌الدیبع، *قرة العیون*، ٤۲۳). فرزند او، ملک‌عامر بن عبدالوهاب، ملقب به ظافر دوم (۸۹٤-۹۲۳)، بزرگ‌ترین پادشاه دولت طاهری محسوب می‌شود که حکومتش از دیگر حاکمان طاهری بیشتر بود. دولت طاهریان در زمان حکومت سلطان ظافر دوم به نهایت گستردگی‌اش رسید. ظافر دوم توانست بر تمام یمن، از جنوب تا شمال، حکومت کند، ولی با پایانی تراژیک روبرو شد، چراکه با همهٔ جلال و عظمت قلمرو فرمانروایی و با وجود وحدت و یکپارچگی و قدرت شگفتی که یمن در دورهٔ او به آن دست یافته بود، همراه برادرش در سال ۹۲۳ به‌دست سربازان ممالیک مصر و عثمانی، که برای مقابله با پرتغالیان به سمت هند راهی بودند، در دروازه‌های شهر صنعا کشته شد (ابن‌شیبان، ١٦٦). یمن با مرگ او، به مصیبتی دچار شد که قابل‌جبران نبود. دولت طاهری بعد از ظافر دوم، دچار آشوب سیاسی شد و ازاین‌رو، برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند که کشته شدن وی پایان دولت طاهری بوده‌است (حداد، ۸٤؛ محمد عبدالعال، ٥٤١-٥٤٢). اما باید گفت که بعد از او، عده‌ای از پادشاهان ضعیف حکومت را در دست گرفتند که آخرین آن‌ها عامر بن داود بود که در ۹٤٥، به‌دست سلیمان‌پاشا، خادم فرماندهٔ لشکر عثمانی، کشته شد (ابن‌مفضل، ۱۱؛ یحیی بن حسین، ٦۳۹؛ ایفانوف، ۱۳۱؛ برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ حکومت طاهریان یمن نک: سپهری و فیروزجائی ۱۳۹٥).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

حکومت یمن در اختیار ملک‌ظافر عامر بن عبدالوهاب (۸۹٤-۹۲۳)، از قدرتمندترین حاکمان طاهری، بوده‌است. حملهٔ دوم نیز تقریباً از ۹۲۳ و همزمان با کشته شدن ملک‌ظافر و همچنین سقوط ممالیک به‌دست عثمانی‌ها آغاز شده که تا ۹٤٥ و سقوط طاهریان و قتل عامر بن داود، آخرین حاکم طاهری، تدریجاً ادامه داشت. در این جنگ‌ها، علاوه بر کمک نیروهای مصری و قبایل معارض دولت طاهری، باید از امامان زیدی یمن نیز یاد کرد که در این راه کمک بسیاری به عثمانی‌ها کردند. در این مقاله، به بررسی چگونگی حملهٔ عثمانی‌ها به یمن و اتحاد گروه‌های مختلف با آنان در این حملات و نیز دلایل، نتایج، و پیامدهای آن‌ها پرداخته خواهد شد.

دربارهٔ ضرورت تحقیق حاضر می‌توان گفت یمن، در طول تاریخ، با توجه به استقرارش در موقعیتی سوق‌الجیشی و حساس، از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، و مذهبی اهمیت ویژه‌ای داشته و همچنین نقطهٔ مهمی در مسیر ارتباطی با سرزمین‌های ایران، هند، عربستان، و افریقا بوده و اهمیتش را در سده‌های نهم و دهم نیز، که مصادف با ظهور پدیدهٔ استعمار بود، حفظ کرد. پژوهش حاضر و نتایج آن می‌تواند در شناخت بهتر و بیشتر تاریخ یمن، به‌عنوان یکی از مناطق مهم جهان اسلام، یاری کند. در باب پیشینهٔ پژوهش نیز باید افزود که به‌رغم اهمیت یمن در این دوران، پژوهش منسجم و مستقلی با این موضوع و تمرکز بر آن انجام نشده و تنها در برخی منابع عربی و همچنین دو مقاله به این زبان، با نام‌های «تقریر سلیمان باشا الخادم حول اهمیة عدن و کیفیة سیطرة القوات العثمانیة علیها» (از اسماعیل قاسم ثور) و «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر» (از حسن شهاب مطالبی) مطالبی در این باره آمده‌است.

اتحاد مملوکی-عثمانی

قبل از حملهٔ عثمانی‌ها، ممالیک مصر برای حمله به یمن از سلطان‌بایزید دوم (۸۸٦-۹۱۸) درخواست کمک کردند. سلطان‌قانصوه غوری، برای ایجاد ناوگان جنگیِ بزرگش، امکاناتی ازجمله چوب، سیصد توپ جنگی، سی‌هزار تیر، چهل قنطار (واحد وزن) باروت، دوهزار پارو، و همهٔ آنچه در آن صنعت لازم بود، در بندر سوئز فراهم کرد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

(سالم، ٩٤)؛ ناوگانی که ایجاد آن چندین سال طول کشید و سرانجام نیز، در آغاز سال ۹۲۱ به اتمام رسید. این سپاه، به‌فرماندهی سلمان رئیس، فرستادهٔ سلطان عثمانی، با هدف حمله به هند، از بندر سوئز در جمادی‌الاول ۹۲۱ حرکت کرد (همان، ۹۵؛ حسن سعید، ١٦٥). هدف این حمله برقراری امنیت دریاهای هند در مقابله با وجود و حضور نیروی استعمارگر پرتغالی بود، ولی در ادامه به تصرف یمن تغییر کرد. در سال ۹۱۹، زمانی‌که ممالیک با کمک عثمانی‌ها برای این حمله آماده می‌شدند، ملک‌عامر در زبید حضور داشت. چه‌بسا او در این سال، شاهد حضور ناوگان‌های پرتغالی‌ها در سواحل یمن بوده باشد (بامخرمه، ٥٦٦/٦–٥٦٨). به‌محض آنکه ناوها بادبان‌های خود را در بندرهای یمنی باز کردند، ظافر (در رمضان ۹۲۰) به‌سمت صنعا حرکت کرد، درحالی‌که تعدادی از مشایخ و بزرگان قبایل یمنی او را همراهی می‌کردند (همان، ٥٦٩–٥٧٠). هنگامی‌که شیخ عبدالوهاب از ورود متفقان (ممالیک و عثمانی‌ها) به کَمَران آگاهی یافت، این خبر را به پدرش رساند. او نیز دستورهای خود را به فرزند و نایب خود در زبید فرستاد و او را به احتیاط، مراقبت، هوشیاری و پرهیز از ارسال هرگونه مواد غذایی از زبید به حجاز هشدار داد تا مبادا به دست دشمن بیفتند (ابن‌دیبع، *الفضل المزید*، ۳۵۸). همان‌طور که ذکر شد، هدف اولیهٔ ممالیک و عثمانی‌ها، حمله به هند و مبارزه با پرتغالی‌ها بود، ولی با توجه به مکاتباتی که حسین کردی (فرماندهٔ ممالیک) از کَمَران با امام یحیی زیدی داشت، می‌توان از نیت و اندیشهٔ آنان برای حمله به یمن پرده برداشت. منابع زیدیه نیز به این مکاتبات اشاره کرده‌اند (ابن‌لطف‌الله، برگ ١١ب–١٢آ؛ یحیی بن حسین، ٦٤٢–٦٤٣). در این زمان، امام یحیی از نیرومندترین قدرت‌های سیاسی مخالف دولت طاهری و رأس آن، ملک‌ظافر عامر، بود که دولت زیدیه را شکست داده و آن‌ها را در منطقه حَجَّه محاصره کرده بود. وجود گروه متفقان در آب‌های منطقه‌ای یمن کمکی برای نیروهای زیدیه برای رهایی از دست ملک‌ظافر بود. بنابراین، باید مکاتبات میان آنان را مقدمه‌ای برای همکاری بین دو طرف علیه دولت طاهری تلقی کرد. ازاین‌رو، امام زیدی برای برافروختن بیشتر آتش جنگ میان دولت طاهری و ممالیک، علیه طاهریان، اقداماتی این‌چنینی صورت داد:

۱- مبارزه با اهل بیت و امامان زیدی. ملک ظافر بسیاری از امامان زیدی یمن و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

شهرهای آن را آواره کرد و بسیاری را نیز در زندان‌ها و تبعیدگاها به قتل رساند.

۲- مخالفت با خاندان اهل بیت در حجاز. حاکمان طاهری بر آن بودند به حرمین شریفین برسند تا اهل بیت ساکن در آنجا را ریشه‌کن کنند (ابن‌لطف‌الله، برگ ۱۲آ–ب).

۳- سازش و همکاری طاهریان با کفار پرتغالی. طاهریان در برابر حملهٔ نیروی استعماری پرتغال مقاومتی نکردند و نمایندهٔ طاهریان در عدن، یعنی مرجان ظافری، نامه‌ها و هدایایی با پرتغالی‌ها ردوبدل کرد (همان، برگ ۱۲ب؛ سالم، ٨٤). منابع اشاره می‌کنند که در ادامه نیز ظافر، با آگاهی از اخبار متفقان (عثمانی‌ها، ممالیک، و زیدیان) به مقرانه بازگشت و پسرش، شیخ‌احمد بن عامر، را بر صنعا حکومت داد تا امور آنجا را سازماندهی و خرابی آن را بازسازی کند (بامخرمه، ٥٨٤/٦). سرانجام نیروهای متفقان سر ملک‌ظافر را، بعد از زدوخوردهای فراوان در صنعاء و منطقه ذَمَرمَر روز جمعه، ۲۵ ربیع‌الأول ۹۲۳، قطع کردند (همان‌جا؛ ابن‌دیبع، *الفضل المزید*، ۳۷۰؛ یحیی بن حسین، ٦٥١؛ ابن‌لطف‌الله، برگ ۱۹آ؛ شلی، ١٦٧–١٦٨؛ ابن‌فهد، ٧٤٨/١–٧٤٩).

نخستین حملهٔ مستقیم عثمانی‌ها به یمن

با تشدید فشارهای نیروی استعمارگر پرتغالی بر یمن، که خطری مستقیم برای بازرگانی در اقیانوس هند و ورودی دریای سرخ و در پی تسلط بر مکه و مدینه و تخریب آثار دینی بودند، دولت عثمانی جنگ‌های خود را در مناطق اسلامی، پس از سقوط دولت ممالیک، آغاز کرده و به همین منظور، چندین سپاه را به یمن فرستاده بود. همان‌طور که ذکر شد، محرک و علت اصلی این حمله حمایت و پشتیبانی از حکام مسلمان هندی بود که هنگام تشدید خطر پرتغالی‌ها در هند، از سلطان‌سلیمان قانونی کمک خواسته بودند (سالم، ۱۵۹). اما بعد از مرگ ملک‌ظافر و سقوط ممالیک مصر در ۹۲۲ به‌دست عثمانی‌ها، یمن دچار ضعف و انحطاط شد و بعد از آن، حاکمان قدرتمندی از دولت طاهری روی کار نیامدند و این دولت در نزاع‌های داخلی، قبیله‌ای و همچنین، حملات مستقیم پرتغالی‌ها رو به زوال رفت. بدیهی است که عثمانی‌ها به‌خاطر موقعیت ممتاز یمن و اشراف آن بر تنگهٔ باب المَندَب، خطر پرتغالی‌ها را بهانهٔ خوبی برای حمله به یمن و سیطره بر آن یافتند. در این زمان، حاکم طاهری،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

ملک‌عبدالملک بن محمد (۹۲٦-۹۳۳)، که در مقرانه به سر می‌برد، برای تـأمین بودجـهٔ جنگی به عدن حرکت کرد و در اوایل ربیع‌الاول ۹۳۰ به آنجا رسید (ابـن‌دیبـع، *الفضـل المزید*، ۳۷٦). بلعفیر علت واقعی حرکت عبدالملک طـاهری بـه سـمت عـدن را آغـاز فعالیت دریایی عثمانیان در دریای سرخ دانسته‌است (بلعفیـر، ۲٤۸-۲٤۹). ایـن دیـدگاه قابل‌تأیید است، چراکه در این زمان، سلمان رومی به بندر حدیده و زبید رسیده بـود و هنگامی‌که ملک‌عبدالملک از ورود او آگاه شد، بـا کمـک سـربازانی از قبیلـهٔ مهـره بـه بازسازی و تجدید استحکامات شهر و سازماندهی نیروهای خود در عـدن اقـدام کـرد (ابن‌دیبع، *الفضل المزید*، ۳۷۷). این حمله، اولین تهاجم مسـتقیم عثمانیـان بـه یمـن بـه شمار می‌رود (سالم، ۱٤۹). در اواخر سال ۹۳٤، حملات عثمانیان با فرماندهی مصطفی رومی (مصطفی بیرم) وارد مرحلهٔ جدیدی شد (نهروالـی، ۵۳-۵٤؛ بافقیـه، ۱۸۹؛ سـالم، ۱۵۱؛ شهاب، «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر»، ٤٤). وی توانست اختلافات و درگیری‌های فرماندهان را به نفع خود پایان دهد و خـود را بـرای رفـتن بـه یمـن و تصرف مهم‌ترین بندر آن، یعنی عدن، با این دلایل آماده کند:

۱- نقض عهد توسط اهالی عدن که با فرستادهٔ سلطان‌سـلیمان قـانونی پیمـان صـلح بسته بودند.

۲- رسیدن شیخ عامر بن داود به عدن و تصرف آن.

۳- استمداد و یاری‌طلبی برخی بزرگان عدن، مانند امیرعبدالصـمد بـن اسـماعیل، از عثمانیان (بافقیه، ۱۸۵-۱۹۰).

عثمانیان حمله به یمن و بنادر مهم آن را در ۹۳٤ تدارک دیدند و به تجهیزات زیادی مسلح شدند تا بتوانند در تصرف این سرزمین موفق باشند. آنان سلطه بر یمن را از بندر تجاری و سوق‌الجیشی عدن، کـه مرکـز فعالیـت‌هـای تجـاری، اقتصـادی، فرهنگـی، و سیاسی بوده‌است، آغاز کردند. این حمله به دو بخش دریایی و زمینی تقسـیم مـی‌شـد. نیروهای زمینی از طریق کوه‌ها به‌سمت عدن حرکت کردند و روز ۱۵ ذی‌القعدهٔ ۹۳۵ به منطقهٔ صاده در صحرای عدن رسیدند (همان، ۱۹۰). این نیروها از برخی قبایـل بـدوی مخالف طاهریان چون طوالق، نیز کمک گرفتند (همان‌جا). مصطفی بیرم، کـه نیروهـای دریایی را رهبری می‌کرد، در نُه ذی‌القعده، پیش از نیروی زمینی، به عدن رسید و آن را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

در محاصرهٔ دریایی قرار داد. داخل شهر عدن، عثمانیان موفق شدند برای خود پیروان و طرفدارانی به دست بیاورند، اما ملک‌عامر موفق شد از دست مخالفان حکومت خلاص شود و از تلاش‌ها و اقدامات آنان برای کمک به عثمانیان پرده بردارد. سپس امیرعبدالصمد و افرادی از اهالی شهر را دستگیر کرد و افسران و محافظان قلعه‌ها را تغییر داد و بردگان، خدمتگزاران، و اطرافیان خود را به‌جای آن‌ها گماشت (همان‌جا). به‌این طریق، وی موفق شد از دشمنان خود رهایی یابد و با خیال آسوده از شهر دفاع کند. این محاصره ادامه یافت و از نُه ذی‌الحجه ۹۳۵ تا ۱۷ ربیع‌الآخر ۹۳۶، یعنی بیش از پنج ماه، طول کشید. در نتیجهٔ این محاصره، بحران اقتصادی بزرگی در داخل شهر به وجود آمد که به‌علت آن، قیمت‌های برخی از مواد غذایی اصلی، چون نان و حبوبات، رقم‌های نجومی پیدا کردند (همان‌جا). افزایش قیمت به شیوع قحطی در شهر و تلف شدن بسیاری از ساکنان نیز منجر شد. حتی قحطی و گرسنگی آن‌ها را به خوردن گوشت مردار واداشت (همان، ۱۹۰–۱۹۳). بااین‌همه، ساکنان عدن با دلیری در مقابل این بحران ایستادگی کردند. هنگامی‌که عثمانیان از سختی و رنج مردم شهر آگاه شدند، محاصره را به پیشروی به‌طرف ورودی واقع در دیوار شهر تغییر دادند و تلاش کردند آن را با گلولهٔ توپ ویران کنند. گروهی می‌خواستند از راه کوهستان وارد شهر شوند، اما سختی و ناهمواری راه آن‌ها را به هلاک کشاند (همان، ۱۹۳). این جنگ جز شکست برای عثمانیان حاصلی نداشت.

حملهٔ خادم سلیمان‌پاشا و سقوط یمن

با توجه به اینکه حمله‌های پیشین نتیجهٔ مثبتی برای عثمانی‌ها نداشت و هم اینکه پرتغالی‌ها نیز قدرت بیشتری یافته بودند، خادم سلیمان‌پاشا در ۱۵ محرم ۹۴۵، با هشتاد کشتی و به‌همراه بیست‌هزار سرباز عرب و هفت‌هزار سرباز ینی‌چری از بندر سوئز حرکت کرد. حتی به‌گفتهٔ برخی مورخان، تعداد سربازان این حمله بیش از صدهزار نفر بوده‌است (ملیباری، ۳۹؛ اباظة، ۲۲؛ صولاق‌زاده، ۵۰۰؛ Erhan, 38/97; Uzunçarşılı, 2/393). این حمله در پی درخواست کمک بهادرشاه، حاکم گجرات، که از هر دو سمت خشکی و دریا مورد تعرض پرتغالی‌ها و بابریان (نیروهای همایون، پسر بابر) قرار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

گرفته بود، صورت گرفته‌است (ibid, 2/391-392). بنابراین باید گفت هدف اولیهٔ عثمانی‌ها فتح یمن نبود، ولی خادم سلیمان‌پاشا، همانند سلمان رئیس، که در ۹۲۱ به جنگ پرتغالی‌ها در اقیانوس هند می‌رفت، ابتدا به یمن و بندر عدن حمله و پس از تسخیر آن، به‌سمت هند حرکت کرد. سلیمان‌پاشا با حرکت به‌سمت عدن، نخستین عملیات اجرایی برای به دست گرفتن دروازه و دهانهٔ دریای سرخ را آغاز کرد (ibid, 2/393). هنگامی‌که لشکر عثمانی به جزیرهٔ کَمَران[1] رسید، فرماندهٔ آن با ملک‌عامر بن داود و سلطان‌بدر ابوطویرق، حاکم حضرموت، مکاتبه کرد تا آن‌ها را از اهداف حمله آگاه کند و از آن‌ها بخواهد تا تحت فرمان دولت عثمانی قرار بگیرند. این نامه‌ها با هدایایی از طرف سلیمان‌پاشا فرستاده شد. سلطان‌بدر ابوطویرق به فرمانبرداری از دولت عثمانی سر سپرد و در مسجد شهر، خطبه به‌نام سلطان عثمانی خواند و حتی سکه‌به نام او ضرب کرد (ثور، ٤٣٨؛ سالم، ١٥٩؛ جعیدی، ٢٧٨-٢٧٩؛ بافقیه، ٢٤٥؛ صولاق‌زاده، ٥٠٠). اما ملک‌عامر با فرستادهٔ عثمانی ملاقات نکرد و تنها برخی از یاران خود را برای دادن هدایایی نزد پاشا فرستاد (سالم، ١٥٩). می‌توان این موضع‌گیری ملک‌عامر را به آگاهی و شناخت او از طمع‌ها و خواسته‌های سلیمان‌پاشا در اشغال عدن و نابودی دولت طاهری و سقوط یمن دانست. این مخالفت او موجب تکرار مکاتبات سلیمان‌پاشا با حاکم طاهری شد و این بار سلیمان‌پاشا، فرهادپاشا را همراه نشان پادشاهی برای به دست آوردن دل عامر، با سه قایق فرستاد، اما ملک‌عامر دروازه‌های شهر را بست. فرهادپاشا تمام تلاش خود را در گفتگو با ملک‌عامر صرف کرد و در مذاکره، به حاکم وعده داد تا به او تعرضی نشود (ثور، ٤٣٩). تا سرانجام ملک‌عامر از طرف خود چهار نفر از بزرگان شهر را نزد سلیمان‌پاشا فرستاد و هدایایی پیشکش کرد، ولی پاشا آن‌ها را به سلطان بازگرداند تا او را به ملاقات راضی کند (همان، ٤٣٩-٤٤٠). در گزارش‌ها دیده می‌شود که سلیمان‌پاشا به آمدن ملک‌عامر اصرار و تمایل داشت تا در نتیجهٔ آن بتواند بانیرنگ از دست او خلاص شود. اما عامر به توطئه علیه خود پی برد و با

۱. جزیرهٔ کَمَران از ثروت‌های طبیعی فراوانی برخوردار بود؛ ده‌ها نوع از پرندگان رنگی در آن وجود داشت و با انواع حیوانات صحرایی، چون آهو، گورخر، و بز پر شده بود. این جزیره آب آشامیدنی گوارا، گوشت لذیذ حیوانات اهلی و وحشی، و همچنین بهترین نوع نمک را داشت (مقحفی، ۱۳۵۲/۲؛ فارتیما، ٦٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

عذرتراشی، بهانه آورد که بیماری اجازهٔ خروج به‌سمت دریا به او نمی‌دهد. اما اصرار فرماندهٔ عثمانی و وعده‌های مکرر او به تأمین امنیت و آرامش، سرانجام ملک را به خروج وادار کرد (همان‌جا؛ Uzunçarşılı, 2/393).

عثمانی‌ها برای فریب شیخ‌عامر تمام تلاش خود را به کار بستند، چنان‌که به برپایی مراسم استقبال از شیخ‌عامر و همراهانش تظاهر کردند و هنگام سوار شدن سلطان به قایق، پرچم‌ها را برافراشتند و بعد از ورود شیخ به کشتی نیز توپ شلیک کردند (ثور، ٤٣٩). اما زمانی‌که ملک‌عامر به کشتی رسید، نیروهای عثمانی پرچم دولت خود را بر دروازه‌های شهر برافراشتند و به غارت و چپاول عدن پرداختند. هنگامی‌که سلیمان‌پاشا از ورود لشکر خود به شهر اطمینان حاصل کرد، شیخ‌عامر و شش همراه او را اسیر کرد و دستور داد آن‌ها را دار بزنند و جسدشان را سه روز از دکل کشتی آویزان کنند (نهروالی، ۸۰؛ کبسی، ۲۳۷؛ بافقیه، ۲۳۵؛ بطریق، ۲۵؛ ایفانوف، ۱۳۱؛ یحیی بن حسین، ٦٨٤). تصرف عدن در ۱۲ ربیع‌الأول ۹٤٥ صورت گرفت. سلیمان‌پاشا هنگام ورود خود به شهر، سربازان را از تجاوز و تعدی به اموال مردم منع و دستور بازگرداندن اموال غارت‌شده را صادر کرد و بهرام‌بیگ را به سنجق‌بیگی و حاکمیت شهر گماشت (نهروالی، ۸۰–۸۱؛ ثور، ٤٤٠؛ صولاق‌زاده، ۵۰۰؛ Uzunçarşılı, idem).

اقدام خائفانه و خیانتکارانهٔ سلیمان در مواجهه با حاکم عدن در منابع توجیه شده‌است و سلیمان‌پاشا نیز در گزارش‌های خود، این اقدام را، به این دلیل که تصرف بدون جنگ شهر را در پی داشته، از حسن تدبیرها و سیاست‌های خود به شمار آورده‌است (ثور، ٤٤٠). درهرحال، این اقدام به زوال دولت طاهریان و انتقال یمن به مرحلهٔ جدیدی از تاریخ خود منجر شد. از سال ۹٤٥، یمن حضور دولت عثمانی را رسماً پذیرفت، به‌طوری‌که نیروهای عثمانی جایگزین تمام نیروهای داخلی آن شدند و در پی این‌ها، بسیاری از ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی یمن تغییر کرد[1].

۱. دربارهٔ دوران حکومت عثمانی‌ها بر یمن به کتاب *الحکم العثمانی فی الیمن*، از فاروق عثمان اباظهٔ، مراجعه فرمایید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

دلایل حمله

عثمانی‌ها، به‌علت موقعیت ممتاز یمن و اشراف آن بر تنگهٔ باب المَندَب، خطر پرتغالی‌ها را بهانه‌ای برای حمله و سیطره بر یمن قرار دادند. دلایل زیادی برای تغییر هدف حمله به این سرزمین قابل‌ارائه‌اند؛ از آن جمله، عدم توانایی و کفایت سلطان یمن (عامر بن عبدالوهاب طاهری) در مقابله با حملهٔ پرتغالی‌ها بود و همچنین سیاست‌های دوستانهٔ حاکم عدن (ملک‌عامر بن داود) در قبال پرتغالی‌ها. بنا به این‌ها، نیروهای مملوکی-عثمانی به تصرف یمن برانگیخته شدند و با تسلط بر آن، یمن را پایگاهی برای جهاد و مبارزه با پرتغالی‌ها قرار دادند. دیگر آنکه پرتغالی‌ها قصد داشتند با تصرف عدن و سلطه بر تنگهٔ باب المَندَب، از نفوذ سیاسی و دینی و بازرگانی مسلمانان بر منطقه بکاهند و بر آنان فشار آورند و نابودشان کنند. از نظر پرتغالی‌ها، برای رسیدن به این مقصود، نه‌تنها می‌بایست یمن تصرف شود، بلکه مکه و مدینه نیز باید ویران می‌شد، چراکه تصرف اماکن مقدس مسلمانان زمینه‌ساز و مقدمهٔ تسلط بر مسلمانان بود (مشکور، ۲۱). عثمانی‌ها هم برای مقابله با این سیاست پرتغالی‌ها به یمن حمله کردند. اگرچه به‌گفتهٔ محمدتقی امامی خویی، هرچند عثمانی‌ها مسلمان بودند، در تصرف یمن به دست آنان، اهداف دینی و مذهبی‌چندانی نمی‌توان متصور شد و به‌ویژه منافع فراوان اقتصادی و موقعیت تجاری و سیاسی یمن همه و از جمله عثمانی‌ها را به تصرفش برمی‌انگیخت. افزون‌براین، حاکمیت بر شهرهای مکه و مدینه، که مراکز اصلی جهان اسلام محسوب می‌شدند، لازمهٔ مشروعیت خلافت عثمانی بود که از طریق سلطه بر یمن امکان‌پذیر می‌شد. دیگر اینکه یمن برخوردار از موقعیتی سوق‌الجیشی بود و با بنادر باارزشی چون عدن، مخا، و حدیده، نبض بازرگانی در شاه‌راه اقتصادی دریای سرخ را در اختیار داشت. این‌همه نیز با حضور پرتغالی‌ها در دریای سرخ تهدید می‌شد و از این رو بود که سلیمان‌پادشا، با دستور سلطان عثمانی، به یمن حمله کرد.

نتایج و پیامدهای حمله

مهم‌ترین پیامدهای حملهٔ عثمانی‌ها به یمن، که از بندر تجاری و سوق‌الجیشی عدن آغاز شده بود، عبارت بودند از:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

۱. سوءظن مردم هند به عثمانی‌ها و از بین رفتن حس اعتمادشان به آن‌ها. همان‌طور که ذکر شد، سلیمان‌پاشا ابتدا به عامر بن داود و همراهان او مصونیت کامل داده بود، ولی آنان را در کشتی دستگیر کرد و بعد از تصرف شهر، به دار آویخت. بعد از این اقدام سلیمان‌پاشا، شهرت و آوازهٔ او تیره شد؛ به‌گفتهٔ نهروالی، از تاریخ‌نویسان رسمی دولت عثمانی، «خبر فریب حاکم عدن از سوی سلیمان‌پاشا در همه‌جا پیچید و هنگامی‌که به مردم هند رسید، از او متنفر شدند و این دلیلی بر یاری نکردنش در جنگ با پرتغالی‌ها بود» (نهروالی، ۸۱).

سلیمان‌پاشا تلاش کرد اقدام خیانت‌آمیز خویش را از مقامات عثمانی در استانبول پنهان کند و در نامهٔ خود به سلطان‌سلیمان قانونی نیز بیان کرد که عدن را با اجبار و زور فتح کرده‌است. اما سلطان عثمانی از چگونگی تسلط پاشا بر عدن آگاهی یافت و بااین‌حال، اقدامی علیه او نکرد. به همین دلیل آنان اعتماد ساکنان یمن و متعاقب آن، فرصت ایجاد جبهه‌ای اسلامی برای جنگ با تهاجم پرتغالی‌ها را در دریاهای عربی و اقیانوس هند از دست دادند (همان، ۱۰۱؛ سالم، ۱۶۲).

۲. مشکلات فراوان بهرام‌پاشا. **سلیمان‌پاشا،** بعد از قتل ملک‌عامر بن داود، بهرام‌پاشا را به ادارهٔ عدن منصوب کرده بود (ثور، ٤٤٠). اما وی با مشکلات زیادی در عدن و مناطق اطراف روبه‌رو شد، چراکه قبایل یمنی بسیاری راضی به حکومت عثمانی‌ها و والیان آن در یمن نبودند؛ قبایلی که به حکومت طاهریان نیز رضایت نمی‌دادند و دائماً با آنان در منازعه و جنگ به سر می‌بردند. این واکنش‌ها و احساسات ساکنان یمن را می‌توان به‌دلیل کشتن خائفانهٔ ملک‌عامر، و نیز برخی رفتارهای غارتگرانهٔ سربازان ترک هنگام تصرف یمن دانست. چنین واکنش‌هایی طبعاً ادارهٔ شهر و ادامهٔ کار را برای والیان عثمانی سخت می‌ساخت.

۳. از دست رفتن استقلال مناطق طاهری یمن. عثمانی‌ها نهادهای اجتماعی و بنیادهای شهریِ تابع دستورهای حکومت طاهری را از بین بردند و دارایی‌های خانواده‌های حاکمان پیشین را مصادره کردند. زمین‌ها و دیگر منابع درآمدی را به دفتر حکومتی منتقل و در تمام مالیات‌های گذشته بازنگری کردند. نظام حکومت عثمانی اخذ مالیات و مطالبهٔ عوارض گمرکی از بنادر تجاری یمن را به دنبال داشت (ایفانوف،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

۱۳۳). با تغییر سیستم اداری، یمن مستقیماً تحت‌الحمایهٔ باب عالی شد.

٤. شکست عثمانی‌ها در هند. عثمانی‌ها، بعد از سلطه بر شهرهای مهم یمن به فرماندهی سلیمان‌پاشا، برای مقابله با زیاده‌روی‌های پرتغالی‌ها به سمت هند حرکت کردند، اما حملهٔ آنان بدون حصول دستاورد قابل‌ذکری، به شکست انجامید. دلیل این شکست را می‌توان در تضعیف شخصیت انسانی و سیاسی سلیمان‌پاشا و عدم اتحاد جبهه‌های هندی و اسلامی جست‌وجو کرد. در پی این شکست، سلیمان‌پاشا عقب‌نشینی کرد و به‌سوی سواحل یمن بازپس‌نشست. وی علت بازگشت و شکستش در هند را نرسیدن خواروبار و کمک مسلمانان هند ذکر کرد. حتی حاکم مسلمان گجرات نیز ترجیح داد ارتباط و همکاری‌اش با سلیمان‌پاشا صرفاً از طریق نامه‌نگاری باشد (سالم، ١٦٢–١٦٤؛ شهاب، «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر»، ٢٢٤–٢٢٧).

٥. آگاهی سلطان عثمانی از خیانت سلیمان‌پاشا و طرد او. بعد از آنکه سلیمان‌پاشای شکست‌خورده از هند به یمن بازگشت، قبل از شرفیابی به محضر سلطان‌سلیمان قانونی در استانبول، نامه‌ای برای پیشگیری از خشم و اندوه سلطان به این مضمون برای او نوشت: همهٔ شهرها و بنادر مهم یمن، ازجمله عدن، زبید، و شحر را تصاحب کرده‌ایم و همچنین، هند را از پرتغالی‌ها بازپس‌گرفته‌ایم و فرنگیان را تارومار کرده‌ایم و بنادرشان را گرفته‌ایم، چنان‌که از آن‌ها جز گروهی کوچک و ضعیف باقی نمانده‌است. نیز ثروت‌های بنادر و مالیات‌ها و عوارض آن‌ها را به‌ارمغان عاید استانبول کرده‌ایم. اما این سخنان او، با رسیدن کشتی‌های پرتغالی‌ها به بندر سوئز و وحشت ساکنان مصر از آن‌ها، نتیجهٔ مطلوب وی را به‌دنبال نداشت، چراکه سلطان او را به‌خاطر کشتن ملک‌عامر بن داود به‌شدت سرزنش کرد و به او گفت که حق کشتن سلطان سرزمینی اسلامی را نداشته و اگر خطایی بوده، باید او را نزد سلطان می‌فرستاده‌است. گفته‌اند که سلیمان‌پاشا به‌ناچار از استانبول گریخته یا به‌روایتی، به‌دستور سلطان، کشته شده‌است (شهاب، همان، ٢٢٨؛ موزعی، ٢٦–٢٧). این عاقبت فرماندهی بود که از دروغ و نیرنگ پرهیز نمی‌کرد و حتی با فریب سلطان، از سوی او و با لقب فاتح جزایر عربی نیز، مورد استقبال قرار گرفت (ایفانوف، ١٣٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

٦. تسلط زیدیان بر قلعه‌ها و شهرهای سرزمین‌های شمال یمن. امام متوکل‌علی‌الله، یحیی بن شرف‌الدین[1] و فرزندش، مطهّر، بعد از کشته شدن عامربن داود و حرکت خادم سلیمان‌پاشا به‌سوی هند و همچنین در نبود رهبری قدرتمند در یمن، بر سرزمین‌های مختلف یمن و قلاع آن تسلط یافتند (عبدالفتاح محمد بتول، ٢٠٤-٢٠٥).

٧. سلطهٔ عثمانی‌ها بر سواحل یمن. سیدمصطفی سالم از چیرگی و غلبهٔ عثمانی‌ها بر یمن با عنوان فتح یاد کرده‌است (سالم، ١٦٨-١٦٩) و تحت سلطه درآمدن سواحل تجاری و اقتصادی یمن و از دست رفتن تنگهٔ باب المندب و بنادر مهم آن را از بارزترین نتایج حملهٔ عثمانی‌ها به یمن و غلبه بر این سرزمین مهم و سوق‌الجیشی، که مورد طمع کشور استعمارگر پرتغال هم قرار داشت، دانسته‌است (همان، ١٦٠-١٦١).

٨. تأمین امنیت سیاسی، دینی، و اقتصادی سرزمین‌های مقدس. فتح هند توسط آلبوکرک پرتغالی تسلط مسلمانان بر راه‌های دریانوردی مناطق شبه‌جزیرهٔ عربستان و یمن و همچنین، امنیت مسلمانان شهرهای مقدس مکه و مدینه را مورد تهدید قرار داد (محمد عبدالعال، ٤٨٦). نتایج این فتح و عواید حاصل از آن پرتغالی‌ها را شگفت‌زده کرد. به‌همین‌دلیل، آن‌ها تنها به این اکتفا نکردند، بلکه بر آن شدند تا تجارت شرق را کاملاً به دست بگیرند و منابع اصلی آن را از آن خود و مراکز نظامی مختلفی در طول سواحل اقیانوس هند بر پا کنند (سالم، ٦٦؛ سلمان، ٥١-٥٣). ازاین‌رو، از ٩٠٤ با این حرص و طمع، تصرف این خط دریایی و بندرهایی چون عدن و شهر تجاری جدّه، که در مسیرش قرار داشتند، را آغاز کردند (شنبل، ٢١٦). می‌توان گفت نقشهٔ آلبوکرک کاملاً دقیق و صحیح بود، چراکه با تصرف عدن، بر باب المندب چیره می‌شد و با این نقشه، علاوه بر تهدید و تضعیف مکه و مصر، می‌توانست نفوذ اروپاییان رقیب را در منطقه تحت کنترل خود درآورد (الهی، ٣١). ازاین‌جهات، بعد از ناتوانی حاکمان یمن در دفع حملهٔ پرتغالی‌ها و حتی برقراری صلح و ارسال هدایا برای آنان، عثمانی‌ها برای امنیت بخشیدن به راه‌های تجاری و مهار قدرت اقتصادی منطقه و همچنین دفاع از

١. المتوکل‌علی‌الله، یحیی بن شرف‌الدین، در ٩١٢ به امامت رسید. وی با ملک‌ظافر، عامر بن عبدالوهاب و همین‌طور عثمانی‌ها، جنگ‌های بسیاری داشته‌است. او تا ٩٥٢ بر صنعا حکومت کرد و سرانجام در ٩٦٥، توسط عثمانی‌ها دستگیر شد و در زندان شهر استانبول وفات یافت (نک: هالم، ٣٦٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

مکان‌های مقدس، به یمن حمله کردند.

نتیجه

در سده‌های نهم و دهم هجری، با رونق فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در سرزمین یمن و با تجربهٔ حاکمان وقت آن، ازجمله طاهریان، در زمینهٔ تجارت، شاهد رونق و شکوفایی این سرزمینیم. به‌این دلایل و نیز به‌سبب نقش سوق‌الجیشی یمن و بنادر و شهرهای مهم آن در تحولات اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی، این سرزمین مورد طمع کشورها و دولت‌های استعمارگر، ازجمله پرتغال و عثمانی‌ها و ممالیک قرار گرفته بود. در ارزیابی کلی، می‌توان گفت حمله و ورود عثمانی‌ها به یمن و تصرف بنادر و شهرهای آن حاصل تلفیقی از انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، و دینی بوده‌است. در مرحلهٔ نخستِ حملات عثمانی‌ها، سلمان رومی، با هم‌پیمانی ممالیک مصر و به‌دستور سلطان عثمانی، برای کمک به مسلمانان هند از کانال سوئز به‌سمت هند حرکت کردند. عثمانی‌ها در این مرحله می‌خواستند با این فعالیت‌ها درخواست کمک ملت مسلمان هند را اجابت کنند، هرچند در ادامه، سرزمین حاصلخیز و تجاری یمن را نیز تصرف کردند. در این تصرفات، اهداف و انگیزه‌های اقتصادی نیز در کنار اهداف مذهبی و سیاسی برای ورود به یمن و آب‌های پیرامون آن و دستیابی به بنادر مهمش نقش داشت. درنتیجه، نباید از تأثیر مکتب اقتصادی مرکانتلیسم و برنامه‌های اقتصادی حاکم بر اروپای قرن نهم و دهم هجری، که عثمانی‌ها نیز از آن‌ها متأثر بودند، بر ورود عثمانیان به سرزمین اسلامی و کشتن حاکم مسلمان آن و تصاحب شهرهای اسلامی آن غافل ماند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

منابع

ـ اباظة، فاروق عثمان، *الحكم العثمانی فی الیمن*، مصر، الهئیة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸٦.

ـ ابن‌مفضَّل، محمد بن ابراهیم بن شرف‌الدین (د. ۱۰۸۵)، نسخهٔ خطی *السلوک الذهبیة فی خلاصة السیرة المتوکلیة*، کتاب‌خانهٔ دانشگاه تورنتو.

ـ ابن‌دیبع شیبانی، عبدالرحمن بن علی، *قرة العیون باخبار الیمن المیمون*، چاپ محمد بن علی الاکوع الحوالی، صنعا، مکتبة ابوذر غفاری، ۱۹۸۸/۱٤۰۹.

ـ همو، *الفضل المزید علی بُغیَة المستفید فی اخبار مدینة زبید*، چاپ یوسف شلحد، صنعا، مرکز الدراسات و البحوث الیمنی و بیروت، دارالعوده، ۱۹۸۳.

ـ ابن‌شیبان، احمد سالم، *الوجود المملوکی فی الیمن (۹۲۱-۹٤۵هـ)*، الشارقة، جامعة عدن: دار الثقافة العربیة، ۲۰۰۲.

ـ ابن‌فهد، عمر بن محمد، *اتحاف الوری باخبار ام‌القری*، چاپ عبدالرحمن بن حسین ابوالخیور، مطابع جامعة ام‌القری، ۱٤۲۲.

ـ احمد یاغی، اسماعیل، *الدولة العثمانیة فی التاریخ الاسلامی الحدیث*، ریاض، مکتبة العبیکان، ۱٤۱۵.

ـ الهی، همایون، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، اندیشه، ۱۳٦۸ش.

ـ ابن‌لطف‌الله، عیسی بن شرف‌الدین (د. ۱۰٤۸هـ)، نسخهٔ خطی *روح الروح فیما جری بعد المائة التاسعة من الفتن و الفتوح*.

ـ ایفانوف، نیقولای، الفتح العثمانی للاقطار العربیه ۱۵۱٦-۱۵۷٤، ترجمه یوسف عطاءالله، بیروت: دارالفارابی، الطبعه الاولی، ۱۹۸۸.

ـ بافقیه، محمد بن عمر الطیب، تاریخ الشِّحْر و اخبار القرن العاشر، تحقیق عبدالله الحبشی، صنعاء: مکتبه الارشاد، ۱۹۹۹/۱٤۱۹.

ـ بامَخرمَة، ابومحمد عبدالله الطیب، *قلادة النحر فی وفیات اعیان الدهر*، چاپ بوجمعه مکری و خالد زواری، جدّه، دار المنهاج، ۲۰۰۸/۱٤۲۸.

ـ بطریق، عبدالحمید، *من تاریخ الیمن الحدیث، ۱۵۱۷-۱۸٤۰*، یمن، معهد البحوث و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

الدراسات العربية، ۱۹٦۹.
ـ بلعفیر، محمد صالح، «العملة و التداول النقدی بعَدَن فی عصر الدولة الطاهریة»، *سباء*، ش. ۱۵–۱٤ (جمادی‌الآخر ۱٤۲۸/جولای ۲۰۰۷).
ـ ثور، اسماعیل قاسم، «تقریر سلیمان باشا الخادم حول اهمیة عدن و کیفیة سیطرة القوات العثمانیة علیها»، جامعهٔ عدن: ندوة عدن بوابة الیمن الحضاریة، ۱۸–۱۹ ژانویة ۲۰۱۱.
ـ جعیدی، عبدالله سعید سلیمان، «حضرموت و الاحتلال العثمانی الاول للیمن»، *سباء*، ش. ۱٤–۱۵ (جمادی‌الآخر ۱٤۲۷/جولای ۲۰۰۷).
ـ حداد، محمد یحیی، *تاریخ المین السیاسی*، قاهره، دار وهدان، ۱۳۸۸.
ـ حسن سعید، حسین ابراهیم، «الصراع حول السیطرة علی البحر الاحمر، العلاقات الیمنیة المصریة فی عصر سلاطین الممالیک»، ندوة الیمن فی عبر التاریخ، جامعة عدن، ۲۳–۲۵ سپتامبر ۱۹۸۹.
ـ حسینی، حسن بن علی شریف، *ملخص الفطن و الألباب و مصباح الهدي للکتاب*، نسخهٔ خطی کتاب‌خانهٔ آمبروزیانا، میلان (ارسال‌شده توسط استادعبدالله منف از دانشگاه ملک‌فیصل).
ـ سالم، سیدمصطفی، *الفتح العثمانی الاول للیمن، ۱۵۳۸–۱٦۳۵م*، قاهره، دار الامین للطباعة و النشر، ۱۹۹۹.
ـ سپهری، محمد و علی غلامی فیروزجائی، «کارکرد تجاری بندر عدن در دورهٔ بنوطاهر»، *پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام*، سال ٦، ش. ۲۳ (پاییز ۱۳۹۵).
ـ سلمان، محمد حمید، *الغزو البرتغالی للجنوب العربی و الخلیج فی فترة مابین ۱۵۰۷–۱۵۲۵*، الامارات المتحدة العربی، مرکز زاید للتراث و التاریخ، ۲۰۰۰/۱٤۲۰.
ـ شلی، محمد، *النساء الباهر بتکمیل النور السافر فی اخبار القرن العاشر*، چاپ ابراهیم بن احمد مقحفی، یمن، مکتبة الارشاد، ۲۰۰٤/۱٤۲۵.
ـ شَنَبَل، احمد بن عبدالله، *تاریخ حضرموت المعروف بتاریخ شَنَبَل*، چاپ عبدالله محمد حبشی، یمن، مکتبه صنعاء الاثریة، ۲۰۰۳/۱٤۲٤.
ـ شهاب، حسن صالح، *اضواء علی تاریخ الیمن البحری*، بیروت، دار الفارابی و عدن،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

لجنة الکتاب الیمنی، ۱۹۷۷.
ـ همو، «عدن بین مدافع البرتغالیین و ممالیک مصر»، التراث، ش. ٤ (رجب و رمضان ١٤١٢).
ـ صولاق‌زاده، *صولاق‌زاده تاریخی*، استانبول، مطبعة محمودبک، ۱۲۹۷.
ـ عبدالفتاح محمد بتول، *خیوط الظلام عصر الامامة الزیدیة فی الیمن*، صنعا، مرکز نشوان الحمیری للدراسات و النشر، ١٤٢٨/ ۲۰۰۷.
ـ فارتیما، لودفیکو، *رحلات فارتیما*، ترجمه و تحقیق عبدالرحمن شیخ، قاهره، الهیئة المصریة للکتاب، ١٩٩٤.
ـ فیصلی، محمد احمد مقبل، *تاریخ الدولة الطاهریة (۸۵۸-۹٤٥هـ)*، صنعا، الهیئة العامة للکتاب، ۲۰۰۵.
ـ کَبَسی، محمد بن اسماعیل، *اللطائف السنیة فی اخبار الممالک الیمنیة*، چاپ ابوحسان خالد ابایزید، صنعا، مکتبة الجیل الجدید، ٢٠٠٥/١٤٢٦.
ـ محمد عبدالعال، *بنورسول و بنوطاهر و علاقات الیمن الخارجیة فی عهدهما*، اسکندریه، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۰.
ـ مقحفی، ابرهیم احمد، *معجم البلدان و القبائل الیمنیة*، صنعا، دار الکلمة، ۲۰۰۲.
ـ مشکور، سالم، *نزاعات الحدود فی الخلیج*، بیروت، مرکز الدراسات الاستراتیجیة و البحوث و التوثیق، ۱۹۹۳.
ـ ملیباری، احمد زین‌الدین المعبری، *تحفة المجاهدین فی احوال البرتغالیین (البرتکالیین)*، چاپ حکیم سیدشمس‌الله قادری، حیدرآباد، ۱۹۳۱.
ـ موزعی یمنی، شمس‌الدین عبدالصمد، *دخول العثمانیین الاول الی الیمن المسمی الاحسان فی دخول مملکة الیمن تحت ظل عدالة آل‌عثمان*، چاپ عبدالله محمد حبشی، بیروت: منشورات المدینة، ١٩٨٦/١٤٠٧.
ـ نهروالی، قطب‌الدین محمد بن احمد، *غزوات الجراکسة و الاتراک فی جنوب الجزیرة المسمی البرق الیمانی فی فتح العثمانی*، ریاض، منشورات دار الیمامة للبحث و الترجمة و النشر، ۱۳۸۷.
ـ هالم، هاینس، *تشیع*، ترجمهٔ محمدتقی اکبری، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۹ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

ـ یحیی بن حسین، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، چاپ سعید عبدالفتاح عاشـور و محمد مصطفی زیادة، قاهره، دار الکتاب العربی، ۱۳۸۸/۱۹٦۸.

- Erhan, Afyoncu, "SÜLEYMAN PAŞA, Hadım", *TÜRKİYE DİYANET VAKFI İSLAM ANSİKLOPEDİSİ*, İstanbul 2010.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, *Osmanlı Tarihı*, Ankara, RK Tarıh Kurumu Basımevei, 1983.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]

۳۰۹

مناطق فتح‌شده توسط عثمانی‌ها (ازجمله یمن در دورهٔ سلطان‌سلیمان قانونی. نک: احمد یاغی، ۳۰۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.5.7]